

طرح پژوهشی مسأله

«اجتهاد و

مرجعیت»

مهدی مهریزی

۱- طرح موضوع

گسترش عرصه های زندگی، پدیدار شدن مسایل و مشکلات تازه و نو، هیچ گاه از دید مکتب الهی دور نیست. دینی جاودانه و آسمانی که انسان و نیازهایش را از بالا می بیند و نگرشی آسمانی، عمیق و گسترده نسبت به او دارد، نمی تواند تحولات زندگی آدمی را منظور ندارد. چنین دینی، رمز جاودانگی اش، ارائه قواعد کلی ثابت، تبیین اهداف دائمی و روشن و تجویز انطباق آن بر

شرایط و موضوعات جدید است و این همان «تفقه در دین» یا «اجتهاد» است که رمز بقای دین است. شهید مطهری فرموده است:

«اجتهاد یا تفقه در دوره خاتمیت و زلیفه بسیار حساس و اساسی برعهده دارد و از شرایط امکان جاوید ماندن اسلام است. اجتهاد را به حق، نیروی محرکه اسلام خوانده اند.^۱ ابن سینا فیلسوف بزرگ اسلامی با روشن بینی خاصی این مسأله را طرح می کند. می گوید:^۲ کلیات اسلامی ثابت و لا یتغیر و محدود است و اما حوادث و مسایل، نامحدود و متغیر است و هر زمانی مقتضیات مخصوص خود و مسایل مخصوص خود، دارد؛ به همین جهت ضرورت دارد که در هر عصر و زمانی گروهی متخصص و عالم به کلیات اسلامی و عارف به مسایل و پیش آمدهای زمان عهده دار اجتهاد و استنباط حکم مسایل جدید از کلیات اسلامی بوده باشند.»^۳ و نیز گفته است:

«به نظر من یکی از معجزات اسلام خاصیت اجتهاد است.»^۴ و نیز فرموده است:

«از خصوصیات اسلام است که اموری را به حسب احتیاج زمان تغییر می کند، حاجتهای متغیر را متصل کرده به حاجتهای ثابت، یعنی هر حاجت متغیری را بسته است به یک حاجت ثابت، فقط مجتهد می خواهد، متفقه می خواهد که این ارتباط را کشف بکند و آن وقت دستور اسلام را بیان بکند این همان قوه محرکه اسلام است.»^۵ در اینجا با پرسشهای عدیده روبرو می شویم:

اجتهاد چگونه حاصل می آید؟

مجتهد از چه ویژگیهایی باید برخوردار گردد؟

چه عوامل برون دینی بر ذهنیت مجتهد اثر می گذارد؟

۱. اشاره به سخن علامه اقبال لاهوری است. وی این سخن را در کتاب «احیای فکر دینی» گفته است.

۲. الالهیات، ابن سینا، ص ۵۶۶.

۳. ختم نبوت، شهید مطهری، ص ۹۲-۹۱، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۵۴.

۴. اسلام و مقتضیات زمان، شهید مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۴۱.

۵. همان، ص ۲۳۹-۲۴۱.

وظایف و منصبهای او چیست؟

مردمان در قبال او چه تکلیفی دارند؟ چگونه او را می شناسند؟ و چگونه از او کسب تکلیف می کنند؟ و دهها مسأله دیگر.

این پرسشها که در ادوار تاریخی رو به افزایش بوده و هست زمینه ساز مباحث «اجتهاد و مرجعیت» است.

در آغاز این نوشتار به دو نکته باید توجه داد. ۱- در این مرحله، موضوع را در حوزه تفکر و اندیشه شیعه دنبال می کنیم، از این رو از ذکر مسایل و موضوعات اجتهاد و منبع شناسی آن، در میان اهل سنت صرف نظر کرده و آن را به فرصتی دیگر وامی گذاریم. ۲- سرفصلهایی که ارائه می شود به مباحث درون دینی اجتهاد و مرجعیت اختصاص دارد و از مباحث برون دینی که برخی کلامی و برخی دیگر جامعه شناسانه به این موضوعات نظر دارد، صرف نظر کرده و اذعان داریم که آن مباحث نیز بسان موضوعات درون دینی، درخور درنگ و تأمل بسیار است و باید صاحبان فکر و اندیشه بدان توجه کنند.

۲- پیشینه تحقیق

گرچه، درباره وجود اجتهاد در عصر پیامبر (ص) و امامان (ع) تردید شده است، اما قراین بسیار حاکی از وجود چنین امری در میان فرزندان مسلمان آروزگار است. از قرآن که بگذریم که در «آیه نذر»^۶ به تفقه امر کرده، در قول و تقریر معصومان (ع) نمونه های بسیار می بینیم. گرچه در صدد اثبات این امر نیستیم، اما اشارتی بر وجود اجتهاد در عصر حضور لازم است. رسول خدا بر اجتهاد برخی صحابه، صحنه گذاشته و آن را تقریر می کردند.^۷

ائمه شیعه (ع) با شیوه های مختلف، بزرگان یاران خویش را بدان ترغیب کرده اند. از قبیل:

۱. بیان اینکه: «وظیفه ما القای اصول است و بر شماست تفریح»^۸

۲. فرمان افتا به بعضی از صحابه خویش، مانند:

فرمان حضرت علی (ع) به قثم بن عباس^۹

۳. ارجاع مردم به فقیهان از قبیل: ارجاع به ابوبصیر اسدی^{۱۰}، زکریا بن آدم^{۱۱}، محمد بن مسلم^{۱۲}، یونس بن عبدالرحمن^{۱۳}، عبدالملک بن جریح^{۱۴}، عمری و

فرزندش^{۱۵}، زراره^{۱۶}، حارث بن مغیره^{۱۷}.

۴. تبیین کیفیت استنباط حکم از قرآن، در مثل از: حکم مسح سر و پا^{۱۸}، مسح بر جبیره^{۱۹} و بیان سنن حیض^{۲۰} می توان یاد کرد.

بجز این شیوه به قراین دیگر نیز برمی خوریم که حاکی از وجود اجتهاد در آن عصر است:

۱. نهی از فتوا دادن به غیر علم.^{۲۱}

۲. نهی از حکم به غیر ما انزل الله.^{۲۲}

۳. نهی از عمل به آرای بنی فضال و عمل به روایات آنان.^{۲۳}

ابن ندیم هم نام تعدادی از فقیهان شیعه در این عصر را آورده است.^{۲۴}

تا این زمان گرچه اجتهاد در میان شیعیان رواج داشت، اما به تألیف و تصنیفی در این باب بر نمی خوریم. در غیبت صغری که تدوین مجموعه های حدیثی آغاز گشت، اشارتهای مختصری را در آنها می بینیم. مثلاً در کتاب «الکافی» در «باب النهی عن القول بغیر العلم»^{۲۵} روایتهایی در مذمت فتوا بدون علم آمده است. در واقع

۶. سوره توبه، آیه ۱۲۲.

۷. برای نمونه رجوع شود به: الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیة، محمد فوزی فیض الله، مکتبه دارالترک، الکویت، ۱۴۰۴/ق ۱۹۸۲، ص ۱۵-۱۶.

۸. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۴۰-۴۱، ح ۵۱ و ۵۲.

۹. نهج البلاغه، نامه ۶۷، صبحی صالح.

۱۰. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۰۳، ح ۱۵.

۱۱. همان، ص ۱۰۶، ح ۲۷.

۱۲. همان، ص ۱۰۵، ح ۲۳.

۱۳. همان، ص ۱۰۷، ح ۳۳-۳۵.

۱۴. همان، ص ۱۰۰، ح ۵.

۱۵. همان، ص ۹۹، ح ۴.

۱۶. همان، ص ۱۰۴، ح ۱۹.

۱۷. همان، ص ۱۰۵، ح ۲۴.

۱۸. همان، ج ۱، ص ۲۹۰، ح ۱.

۱۹. همان، ص ۳۲۷، ح ۵.

۲۰. همان، ج ۲، ص ۵۳۸، ح ۴.

۲۱. همان، ج ۱۸، ص ۱۶، ح ۳۱-۳۳.

۲۲. همان، ص ۱۷-۲۰، ب ۵.

۲۳. همان، ص ۷۲، ح ۷۹.

۲۴. فهرست ابن ندیم، ص ۲۷۵-۲۷۹ و تأسیس الشیعة، ص ۲۹۸-۳۰۱.

۲۵. الکافی، ج ۱، ص ۴۲.

سابقه پژوهش این موضوع به عصر تدوین «علم اصول» برمی گردد. از این زمان به بعد مسایل اجتهاد و تقلید بدین شرح مورد توجه بوده است:

۱. کتب علم اصول. از «الذریعة الی اصول الشریعة» نوشته سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ق) گرفته تا «کفایة الاصول» اثر آخوند محمد کاظم خراسانی (م ۱۳۲۹ق) از «اجتهاد و تقلید» بحث شده است.

۲. کتب فقه استدلالی. در ضمن مباحث امر به معروف و نهی از منکر و مباحث قضا از شرایط فقیه جامع شرایط به اختصار بحث می شود. در این زمینه می توان از این کتب نام برد:

الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، کتاب القضاء، ص ۲۷۷-۲۷۸، شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۳۴۴؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۱۱۹؛ جامع المقاصد، ج ۳، ص ۴۹۰ و...

و گاه نیز در آغاز کتب استدلالی فقه در مقدمات کتاب به برخی از مسایل اجتهاد و افتا اشاره می شد.

«ذکری الشیعة» اثر شهید اول را می توان برای نمونه بیان کرد.

۳. شروح استدلالی بر «عروة الوثقی». از آن زمان که «عروة الوثقی» تألیف سید محمد کاظم طباطبایی یزدی «ره» (م ۱۳۳۷ق) محور تدریس و تألیف در فقه استدلالی شد، مباحث «اجتهاد و تقلید» به عنوان اولین مبحث در فقه مورد توجه قرار گرفت.

«مستمسک العروة الوثقی» نوشته مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم (م ۱۳۹۰ق) و «التنقیح فی شرح العروة الوثقی» تقریر درس فقه آیه الله العظمی خویی «ره» (م ۱۳۷۰ش) و «ذخیره العقبی فی شرح العروة الوثقی» نوشته آیت الله علی صافی گلپایگانی نمونه های برجسته ای از این شروحند.

۴. تک نگاریها. از قرن دهم به این طرف به نوشته های مستقل استدلالی به عنوان «الاجتهاد و التقلید» برمی خوریم، که شیخ آغابزرگ تهرانی، در الذریعة نوزده مورد از آنها را ذکر کرده است.^{۲۶} ما نیز به تعدادی بیشتر در بخش منابع اشاره خواهیم کرد.

۵. رساله های عملیه. رساله های عملی که حاوی فتاوی مراجع تقلید است، از زمان شیخ اعظم انصاری به

این طرف با احکام «اجتهاد و تقلید» آغاز می گردد.

برای نمونه می توان از این رساله ها یاد کرد.

«رساله سراج العباد» شیخ اعظم انصاری (م ۱۲۸۱ق).

«منهج الرشاد» شیخ جعفر شوشتری (م ۱۳۰۳).

۶. تک نگاریها در باب مرجعیت. در این دوره های

اخیر، نوشته های دیگری پیرامون مرجعیت به عرصه پژوهشها افزوده شد که بیشتر صبغه اجتماعی دارد تا فقهی

و استدلالی. در این خصوص می توان از این کتب نام برد:

«المعالم الجديدة للمرجعية الشیعة»، «بحوث فی

خط المرجعية» و... که در بخش منابع به معرفی این کتب خواهیم پرداخت.

گذری کوتاه بر پیشینه تحقیق در باب «اجتهاد و

مرجعیت» و ملاحظه تاریخی این نوشته ها، حکایت از

تطور و تکامل این موضوع در کمیّت و کیفیت دارد.

۳. ضرورت پژوهش

همان گونه که پیشینه تحقیق نشان می دهد، این مسأله مورد توجه فقیهان و اصولیان بوده اما به دلایلی چند زوایای مبهم و قابل پژوهش در آن بسیار است و پژوهشهای جدی و نو را ضروری می سازد.

۱. به اعتقاد گروهی از اندیشمندان، اجتهاد به

معنای «مصطلح» کفایت حل نیازهای جدید در سطح

گسترده را ندارد. پس باید به تبیین و تحلیل اجتهاد

«مطلوب» پرداخته شود.

امام خمینی «ره» فرموده اند: «... و همین جاست که

اجتهاد مصطلح در حوزه ها کافی نمی باشد، بلکه باید یک

فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه ها هم باشد ولی نتواند

مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و

مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در

زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم گیری

باشد این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست

و نمی تواند زمام جامعه را به دست گیرد.»^{۲۷}

۲۶. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۷۳.

۲۷. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۷. (نامه تحکیم برادری).

اگر مدتی متصدیان دروس خارج، درس خود را بدان اختصاص دهند و تمام زوایای آن را - فراتر از متن عروة الوثقی - به بحث گذارند و مراکز پژوهشی حوزوی به تبیین کارشناسانه آن همت گمارند، و فقیهان اهل قلم در کنار استنباط احکام آن، به تحلیل احکام نیز پردازند، بسیاری از نقاط مبهم روشن گشته، زمینه بهانه جویهای خارجی و شایعه های داخلی نیز کم خواهد شد.

۴- سرفصلها

مباحث مربوط به این مسأله را در چهار بخش می توان تنظیم کرد:

بخش یک. کلیات

۱. بررسی و تبیین واژه ها از قبیل: فقه، تفقه، فتوی و افتا، اجتهاد و تقلید، مرجعیت، استنباط.
۲. تاریخ ورود هر یک در فرهنگ شیعی.
۳. تاریخ اجتهاد.
۴. مبانی مباحث اجتهاد و تقلید از قبیل: سیره عقلا، شرع و عقل.

بخش دو. اجتهاد

۱. ضرورت اجتهاد
۲. دانشهای لازم برای اجتهاد
۳. اجتهاد مطلق یا متجزی
۴. عوامل موثر در اجتهاد
۵. مجتهد و کارشناسی موضوعات

بخش سه. مرجعیت

۱. شرایط مرجع از قبیل: اعلیت، رجولیت و ...
۲. مناصب مرجع و اختیارات:
 - الف. افتا
 - ب. قضاوت
 - ج. رهبری
 - د. وجوهات
۳. تمرکز و تعدد مرجعیت.
۴. مرجعیت و رهبری
۵. راههای شناخت مرجع تقلید

۲۸. اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۲۳۳.

۲۹. آینه پژوهش، ش ۹، ص ۶۴-۶۶ و ش ۱۰، ص ۶۵.

۳۰. نقدونظر، سال اول، ش ۱، ۱۰۷ به بعد.

شهید مطهری می فرماید: «اتفاقاً اجتهاد جزء مسایلی است که می توان گفت روح خودش را از دست داده است. مردم خیال می کنند که معنی اجتهاد و وظیفه مجتهد فقط این است که همان مسایلی را که در همه زمانها یک حکم دارد، رسیدگی بکند؛ مثلاً در تیمم آیا یک ضربه زدن کافی است یا حتماً باید دو ضربه بر خاک زد؟ یکی بگوید «اقوی» یک ضربه کافی است و دیگری بگوید: «احوط» دو ضربه بر خاک بزنند، یا مسایلی از این قبیل. در صورتی که اینها اهمیت چندانی ندارد، آنچه اهمیت دارد مسایل نو و تازه ای است که پیدا می شود و باید دید که این مسایل با کدامیک از اصول اسلامی منطبق است.»^{۲۸}

استاد محمدرضا حکیمی نیز گاه بر لزوم تفکیک میان اجتهاد مصطلح و مطلوب تأکید ورزیده^{۲۹} و گاه به لزوم توجه به اجتهاد با نظر به «اهداف دین» توصیه کرده است و آن را حیاتی ترین بحث در این مقوله می داند.^{۳۰}

۲. پدیدار شدن موضوعات جدید در باب اجتهاد و مرجعیت، مانند: شورای افتا، رابطه مرجعیت و حاکمیت، تعدد یا تمرکز مرجعیت و ... سببی دیگر برای پرداختن به این موضوع است.

۳. طرح شبهاتی دربار برخی آرای گذشته در مسأله اجتهاد، مثل شرط رجولیت در مرجع تقلید، یا اعتراض به برخی متعلقات آن مانند: سبک «رساله نویسی» از دیگر عوامل پردازش جدید این مبحث است.

۴. وجود پاره ای ملاحظات اجتماعی و سیاسی عاملی دیگر برای ابهام تعدادی از موضوعات است. با توجه به عوامل یاد شده، اینک در فضای باز جامعه اسلامی پس از انقلاب اسلامی و از میان رفتن زمینه پاره ای ملاحظات، و در عصر سرعت و فراگیری ارتباطات، ضرورت پردازش جدی این مبحث، جای انکار نیست. و چه بهتر که این پژوهشها در شرایط کاملاً آرام حوزه های علمی و جو کاملاً متعادل جامعه صورت پذیرد. زیرا اگر چنین تحقیقها پس از رحلت مرجعی انجام شود، از سوی دشمن خارجی برچسب سیاسی خواهد خورد و جو متلاطم داخل، نوعی هراس و احتیاط کاری را ایجاد می کند.

طرح پژوهشی مسأله «اجتهاد و مرجعیت»

- ۵- اجتهاد و تقلید، علی رحمانی سبزواری، کنگره شیخ اعظم انصاری، قم، ۱۳۷۳، ۳۶ص.
- ۶- الاجتهاد و التقليد، مرتضی اردکانی یزدی، مؤلف، قم، ۱۳۷۰ش، ۱۱۶ص، عربی.
- ۷- اجتهاد و تقلید از نظر شیخ اعظم انصاری، عبدالجواد ابراهیمی، کنگره شیخ انصاری، قم، ۱۳۷۳، ۴۷ص.
- ۸- اجتهاد و تقلید در اسلام و شیعه، علامه سید محمدحسین طباطبایی، رسالت، ۴۵ص.
- ۹- الاجتهاد و التقليد و شئون الفقیه، محمد مهدی الاصفی، التوحید، قم، ۱۴۱۰، ۹۹ص، عربی.
- ۱۰- الاجتهاد و المنطق الفقهی فی الاسلام، مهدی فضل الله، دار الطلیعة، بیروت، ۱۹۸۷م، ۳۴۰ص، عربی.
- ۱۱- ادوار اجتهاد، محمد ابراهیم جناتی، کیهان، تهران، ۱۳۷۲، سیزده + ۵۲۳ص.
- ۱۲- اسلام و مقتضیات زمان، شهید مرتضی مطهری، صدر، قم، ج ۱، ص ۲۲۹-۲۴۲، ج ۲، ص ۳۳ و ۹۳.
- (مطالب جلد نخست این کتاب، در پاسدار اسلام، ش ۱۲۶، ص ۳۰ نیز چاپ شده است.)
- ۱۳- الاسلام یقود الحیاة، محمد باقر الصدر، دار التعارف، بیروت، ۱۴۱۰ق- ۱۹۹۰م، ص ۱۳-۲۵، عربی.
- ۱۴- امام راحل و فقه سنتی، محمد محمدی گیلانی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۹۳ص.
- ۱۵- بینش و روش اجتهاد در مکتب شیخ انصاری، مهدی هادوی، کنگره شیخ اعظم انصاری، قم، ۱۳۷۳، ۴۴ص.
- ۱۶- تاریخ الفقه و الاجتهاد من وجهة النظر الشیعیة، محمد صادق الجعفری، کنگره شیخ اعظم انصاری، قم، ۱۳۷۳، ۴۳ص، عربی.
- ۱۷- تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة، محمد فاضل، مطبعة مهر، قم، ۱۳۹۹ق، ۲۹۹ص، عربی.

۳۱. در این قسمت از بانک اطلاعات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و پژوهشکده باقرالعلوم نیز استفاده شده است.

۶. رساله نویسی:
- الف. تاریخچه و سابقه
- ب. بررسی سبکها و شیوه های رایج
- ج. شیوه مطلوب
- د. حاشیه نویسی و تعلیقه
۷. شورای افتا:
- الف. ضرورت ها
- ب. موانع
- ج. دار الافتا
- بخش چهارم. تقلید
۱. جواز یا لزوم تقلید
۲. قلمرو تقلید
۳. تقلید ابتدایی از میت
۴. بقای بر تقلید از میت
۵. تبعیض تقلید
- ۵- منابع ۳۱

منابع مربوط را در دو قسمت «اجتهاد و تقلید» و «مرجعیت» معرفی می کنیم. با این یادآوری که به منابع شیعی بسنده شده و با این اعتذار که معرفی را کامل نمی دانیم.

قسمت اول: اجتهاد و تقلید

در این قسمت به جهت تنوع، منابع را در سه گروه شناسایی می کنیم:

* کتب مستقل در باب اجتهاد و تقلید

- ۱- الاجتهاد و الفتوی فی عصر المعصوم و غیبت، محی الدین موسوی غریفی، دار التعارف، بیروت، ۱۳۹۸ق، ۱۳۵ص، عربی
- ۲- اجتهاد و تقلید، ابوالقاسم بن زین العابدین، چاپ دوم، چاپخانه سعادت کرمان، ۲۹۳ص.
- ۳- الاجتهاد و التقليد، سیدرضا صدر، دارالکتب، بیروت، ۱۹۷۶م، ۵۰۱ص، عربی.
- ۴- الاجتهاد و التقليد، احمد آذری قمی، ج ۲، دارالعلم، قم، ۱۳۷۳، ۳۱۴+۳۹۹ص، عربی.

۱۸- تقلید، حسن طاهری خرم آبادی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۴۰ ص.

۱۹- التقليد، شیخ مرتضیٰ انصاری، کنگرہ شیخ انصاری، قم، ۱۴۱۵ق، ۹۶ ص، عربی.

۲۰- تقلید چیست، علی مشکینی، یاسر، قم، ۱۰۳ ص.

۲۱- التنقیح فی شرح العروة الوثقی، سید ابوالقاسم الخوی (ره)، مقرر: میرزا علی غروی تبریزی، مؤسسہ آل البيت، قم، ج ۱، ۴۴۰ ص، عربی.

۲۲- التتقید لأحكام التقليد، میرزا ابوطالب، تهران، ۱۳۱۶ق، ۲۰۷ ص، عربی.

۲۳- خاتمیت، شهید مرتضیٰ مطهری، ص ۱۰۷.

۲۴- ختم نبوت، شهید مرتضیٰ مطهری، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۵۲، ص ۹۱-۱۰۲.

۲۵- دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة، حسن الامین، بیروت، ۱۳۹۲ق-۱۹۷۲م، ص ۵-۳۴، عربی (حاوی چند مقاله).

۲۶- الدرالنضید فی الاجتهاد والاحتیاط والتقلید، محمد حسن مرتضوی لنگرودی، ج ۲، انصاریان، قم، ۱۴۱۲ق، ۴۸۸+۵۱۴ ص، عربی.

۲۷- ده گفتار، شهید مرتضیٰ مطهری، انتشارات صدرا، قم، ص ۷۶-۱۰۴.

(این گفتار با نامهای دیگر نیز چاپ شده است.)

۲۸- الراى السدید فی الاجتهاد والتقلید، السید ابوالقاسم الخوی (ره)، مقرر: غلامرضا عرفانیان یزدی، چاپ دوم: المطبعة العلمیه، قم، ۱۴۱۱، ۲۲۷ ص، عربی.

۲۹- الرسائل، الامام الخمینی (ره)، ج ۲، چاپخانه مهر، قم، ص ۹۴-۱۷۲، عربی.

۳۰- رساله علمیه (تقلید، مرجعیت، رهبری)، احمد آذری قمی، ج ۱، مکتبه ولایت فقیه، ۱۳۷۳، ۲۰۴ ص.

۳۱- شورى الفقهاء، مرتضیٰ شیرازی، مؤسسہ الفكر الاسلامی، بیروت، ۱۴۱۱ق، ۵۱۰ ص، عربی.

۳۲- فلسفه اجتهاد و تقلید، علی دشتی، مؤسسہ امام صادق (ع)، قم، ۱۲۶ ص.

۳۳- مسائل الاجتهاد والتقلید، حسین نوری همدانی، مکتب المؤلف، قم، ۱۴۱۵ق، ۱۷۶ ص، عربی.

۳۴- مسأله اجتهاد و تقلید، مدرسه الامام امیرالمؤمنین، همان، قم، ۳۷ ص.

۳۵- مطارح الأنظار، تقریرات الشیخ الاعظم الانصاری، مقرر: ابوالقاسم کلانتری، مؤسسہ آل البيت، قم، ص ۲۵۲-۳۰۷، عربی. (دو مقاله مستقل با عنوان «تقلید الحی» و «تقلید الحی الاعلم» در این کتاب موجود است.)

۳۶- منابع اجتهاد، محمد ابراهیم جناتی، کیهان، تهران، ۱۳۷۰، ۴۱۵ ص.

(این کتاب به صورت سلسله مقالات در مجله «کیهان اندیشه» از شماره ۸ تا ۳۶ قبلاً چاپ شده است.)

۳۷- النظرة المخاطفة فی الاجتهاد، محمد اسحاق الفیاض، مؤسسہ دارالکتاب، قم، ۱۴۱۳ق، ۹۳ ص، عربی.

۳۸- نقش علوم تجربی در اجتهاد، محسن غرویانی، کنگرہ شیخ انصاری، قم، ۱۳۷۳، ۱۶ ص.

۳۹- همراه با تحول اجتهاد، شهید سید محمد باقر صدر، انتشارات روزبه، تهران، ۳۶ ص.

* * * اجتهاد و تقلید در ضمن کتب اصول

۱- الذریعة الی اصول الشریعة، سید مرتضیٰ، ج ۲، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۳، ص ۷۹۲، عربی.

۲- عدة الاصول، محمد بن الحسن الطوسی، ج ۲، بمبئی، ۱۳۱۲ق، ص ۱۱۳-۱۱۷، عربی.

۳- معارج الاصول، المحقق الحلی، مؤسسہ آل البيت، قم، ۱۴۰۳ق، ص ۱۷۷، عربی.

۴- مبادئ الوصول الی علم الاصول، علامه حلّی، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۹، عربی.

۵- تهذیب الوصول الی علم الاصول، علامه حلّی، تهران، ص ۹۹-۱۰۷، عربی.

۶- القواعد والفوائد، ج ۱، شهید اول، مکتبه المفید، قم، ص ۳۱۵، عربی.

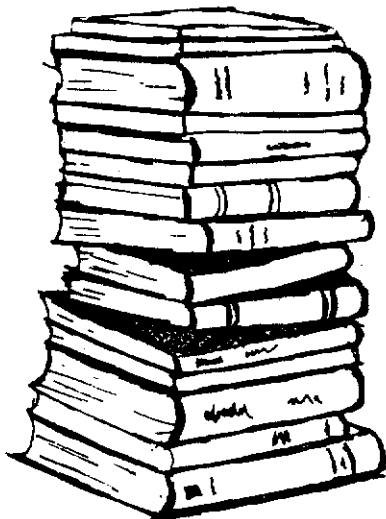
۷- ذکرى الشيعة، شهید اول، مکتبه بصیرتی، قم، ص ۲.

۸- تهیید القواعد، شهید ثانی، مکتبه بصیرتی، قم، ص ۴۵. (همراه ذکرى الشيعة چاپ شده است)

طرح پژوهشی مسأله «اجتهاد و مرجعیت»

- ۹- رساله اصول فقه فارسی، ابو الفتح شریفی گرگانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷، ص ۲۳۳. (در ضمن کتاب «فقه هزار و چهارصد ساله» چاپ شده است)
- ۱۰- معالم الدین، جمال الدین الحسن بن زین الدین، مطبعة الاداب، نجف، ۱۳۹۱، ص ۴۵۵، عربی.
- ۱۱- زبدة الاصول، بهاء الدین محمد العاملی، تهران، ۱۳۱۹ق، ص ۱۱۵-۱۲۴، عربی.
- ۱۲- الوافية، فاضل التونی، مجمع الفكر الاسلامی، قم، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۱-۳۰۸، عربی.
- ۱۳- هداية الابرار الى طريق الائمة الاطهار، حسین بن شهاب الدین الکرکی، بغداد، ۱۳۹۶ق، ص ۲۹۸، عربی. (غیر از محقق کرکی است.)
- ۱۴- الاصول الاصلية، محمد محسن الفيض الكاشاني، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰ق، ص ۱۴۷، عربی.
- ۱۵- سفينة النجاة، محمد محسن فيض كاشاني، ترجمة محمدرضا تفرشی، ص ۷۰-۱۲۴.
- ۱۶- الدررة النجفية، يوسف البحراني، ۱۳۱۴ق، ص ۲۵۵-۲۵۸، عربی.
- ۱۷- تجريد الاصول، مولی مهدی النراقی، ۱۳۱۷ق، ص ۲۳۰، عربی.
- ۱۸- كشف الغطاء، جعفر كاشف الغطاء، انتشارات مهدوی، اصفهان، ص ۴۱، عربی.
- ۱۹- الحق المبين، جعفر كاشف الغطاء، ص ۶۱، عربی.
- ۲۰- قوانین الاصول، میرزا ابوالقاسم القمی، ج ۲، انتشارات اسلامیه، تهران، ص ۹۳، عربی.
- ۲۱- مفاتيح الاصول، السيد محمد الطباطبائي، مؤسسه آل البيت، قم، ص ۶۳۴-۵۶۹، عربی.
- ۲۲- الاصول الاصلية، عبدالله الشير، مكتبة المفيد، قم، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۸-۲۸۴، عربی.
- ۲۳- مناهج الاصول، مولی احمد النراقی، ۱۲۶۲، پایان کتاب (شماره صفحه ندارد)، عربی.
- ۲۴- هداية المسترشدين، محمدتقی الاصفهانی، مؤسسة آل البيت، قم، ص ۴۶۳، عربی.
- ۲۵- الفصول، محمد حسین بن عبدالرحیم الاصفهانی، ۱۳۰۵، ص ۳۸۵-۴۳۱، عربی.
- ۲۶- ضوابط الاصول، سيد ابراهيم قزوینی،

- ۱۲۷۵ق، پایان کتاب (شماره صفحه ندارد)، عربی.
- ۲۷- نتائج الافکار، سيد ابراهيم قزوینی، بمبئی، ص ۲۱۶-۲۳۵، عربی.
- ۲۸- القواعد الشريفة، محمد شفيع، ص ۳۵۹-۳۷۷، عربی.
- ۲۹- حقائق الاصول، عبدالرحيم النجفي الاصفهانی، پایان کتاب (شماره صفحه ندارد)، عربی.
- ۳۰- حل العقود لعقد الفحول، محمد باقر بن مرتضى الطباطبائي، ۱۲۹۱، همراه وسیله الوسائل چاپ شده است، ص ۵۴، عربی.
- ۳۱- هداية الاصول، محمد باقر الموسوی الاصفهانی، مطبعة علمیه، قم، ۱۳۸۴، ص ۱۵۹-۲۰۶، عربی.
- ۳۲- درر اللثالی، محمدرضا الموسوی شیرازی، ۱۲۷۴ق، پایان کتاب، (شماره صفحه ندارد)، عربی.
- ۳۳- قوامع الاصول، محمود العراقي النجفی، ص ۵۱۸-۵۶۷، عربی.



- ۳۴- الرسائل، محمد بن ابراهیم الکلباسی، رساله آخر، (شماره صفحه ندارد)، عربی.
- ۳۵- تشریح الاصول، ملاعلی النهاوندی، ۱۳۱۶ق، ص ۲۸۵، عربی.
- ۳۶- مقاصد اصول، محمد حسن شریعت سنگلجی، چاپخانه تابان، تهران، ۱۳۱۷ش، ص ۹۶.
- ۳۷- حاشیة القوانين، جواد الطارمی، ج ۲، ۱۳۰۶ق، ص ۲۳۲، عربی.
- ۳۸- کفایة الاصول، محمد کاظم الاخواند الخراسانی، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹ق، ص ۴۶۳، عربی.
- ۳۹- العناوین، محمد مهدی الکاظمی الخالصی، ج ۲، مطبعة دار السلام، بغداد، ۱۳۴۲ق، ص ۸۱، عربی.
- ۴۰- مقالات الاصول، ضیاء الدین العراقی، ج ۲، مکتبة المصطفوی، تهران، ۱۳۴۹ق، ص ۲۰۱، عربی.
- ۴۱- نهاية الافکار، ضیاء الدین العراقی، ج ۴، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۵ق، ص ۲۱۵، عربی.
- ۴۲- نهاية الدراية، محمد حسین الاصفهانی، ج ۳، انتشارات مهدوی، اصفهان، ۱۹۱-۲۲، عربی.
- ۴۳- بحوث فی الاصول، محمد حسین الاصفهانی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۹ق، رساله سوم، عربی.
- ۴۴- ملاک اصول استنباط، محسن شقایب، ج ۳، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۳۸، ص ۹۴.
- ۴۵- اصول معتبره، محمد حسین الرضوی الکااشانی، شرکت طبع الکتاب، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۹۹.
- ۴۶- منتهی الاصول، حسن البجنوردی، ج ۲، بصیرتی، قم، ص ۶۱۸، عربی.

*** مقالات ***

- ۱- اجتهاد در تشیع، حوزه، ش ۵، ص ۲۳-۱۱.
- ۲- الاجتهاد فی الشریعة، محمد علی الطباطبایی، رساله الاسلام، سال ۲، ص ۴۲۸، عربی.
- ۳- الاجتهاد فی نظر الاسلام، محمد جواد مغنیه، رساله الاسلام، سال ۴، ص ۲۸، عربی.
- ۴- اجتهاد و تاریخ آن، علیرضا فیض، مقالات و بررسیها، ش ۴۱-۴۲، ص ۵۳-۹۸.
- ۵- اجتهاد و منابع آن، مشکاة، ش ۹، ص ۶۹-۹۵.

- ۶- آزادی تفکر (اجتهاد در فروع)، حوزه، ش ۲۷، ص ۹۷.
- ۷- بازنگری اجتهاد و فقه، حوزه، ش ۲۷، ص ۳-۱۷.
- ۸- بانگ رحیل (سرمقاله مربوط به اجتهاد)، حوزه، ش ۲۸، ص ۳.
- ۹- تاریخ تطور اجتهاد، عباس مخلصی، فقه، کتاب اول، ص ۱۲۲.
- ۱۰- تحقیق در نظریة اجتهاد، علی عابدی شاهرودی، کیهان اندیشه، ش ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶.
- ۱۱- حول الاجتهاد فی الاسلام، عبدالعزیز الخیاط، التوحید، ش ۶۹.
- ۱۲- السمات المطلوبة للجهتهد فی الحكومة الاسلامیة، محمد ابراهیم جناتی، الفکر الاسلامی، ش ۶، ص ۴۱، عربی.
- ۱۳- سیر تاریخی تقلید از اعلم، محمد ابراهیم جناتی، کیهان اندیشه، ش ۶، ص ۱۷.
- ۱۴- مصادیق اعلم از آغاز غیبت کبری تاکنون، محمد ابراهیم جناتی، کیهان اندیشه، ش ۷، ص ۱۰.
- ۱۵- منابع اجتهاد در فقه شیعه و اهل سنت، ناصر مکارم شیرازی، نور علم، ش ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۵.
- ۱۶- نامه، محمد رضا حکیمی، آینه پژوهش، ش ۹، ۱۰، ۱۱.
- ۱۷- ندوة الاجتهاد فی الشریعة الاسلامیة، مهدی محقق، علی موسوی، التوحید، ش ۶۹، عربی.
- ۱۸- نظریة تعین تقلید از مجتهد اعلم، محمد ابراهیم جناتی، کیهان اندیشه، ش ۵۱، ص ۱۰۱.
- ۱۹- نظریة شورای مرجعیت، رهنمون، ش ۷، ص ۱۱۶.
- ۲۰- نقد متدهای فقهی و آموزشی حوزه (میزگرد)، کیهان اندیشه، ش ۲۲، ص ۶.
- ۲۱- نقد نظریة عدم تعین تقلید از اعلم، عباس ظهیری، کیهان اندیشه، ش ۵۵، ص ۵۱.
- ۲۲- نقد و نظر (ویژه مبانی اجتهاد)، سال اول، شماره اول.
- ۲۳- نقش دو عنصر زمان و مکان در استنباط، عباس حسینی قائم مقامی، کیهان اندیشه، ش ۳۲، ص ۳۶.
- ۲۴- نگاهی دیگر به اجتهاد، حوزه، ش ۴۲، ص ۲۷.
- ۲۵- ویژگیهای اجتهاد و مرجع تقلید در پیامهای امام خمینی (ره)، پاسدار اسلام، ش ۶۲، ص ۱۰.

ب) مقالات

۱. اجتهاد و مرجعیت زنان، مینا یادگار آزادی، زنان، سال اول، ش ۸، ص ۲۴.
۲. اسس المرجعية الدينية والمقترحات حولها، التوحيد، ش ۷۱.
۳. بررسی مسایل مرجعیت و رهبری در جهان اسلام، حوزه، ش ۴۵، ص ۱۸۵.
۴. حوزه (ویژه مرجعیت)، ش ۵۶-۵۷.
۵. حوزه و مرجعیت، آینه پژوهش، سال چهارم، ش ۲۲، ص ۲.
۶. رهبری و مرجعیت، محمدعلی موحدی کرمانی، پاسدار اسلام، ش ۲۲، ۱۳۶۲، ص ۲۴.
۷. زن و مرجعیت، محمد حسین نجفی، فقه (کتاب اول)، ۱۳۷۲، ص ۲۹.
۸. لزوم مرجعیت واحد برای جامعه اسلامی، امامی مقدم، حوزه، ش ۴۵، ص ۱۸۱.
۹. مرجعیت بعد از فوت آیه الله بروجردی، یاد، ش ۱۱، ص ۴۷.
۱۰. نقد تئوری تفکیک مرجعیت از رهبری، سید کاظم حائری، کیهان اندیشه، ش ۲۲، ص ۳۳.
۱۱. نقش امام خمینی (ره) در مرجعیت عامه آیه الله بروجردی، محمد دهقانی آرانی، حضور، ش ۱، ص ۳۸.
۱۲. مرجعیت و تشکیلات حوزه، مصاحبه با آیه الله سید ابوالقاسم کاشانی، حوزه، ش ۴۲، ص ۴۴.



همانگونه که در «پیشینه تحقیق» گذشت. بخشی از منابع این موضوع در ضمن کتب فقهی در مباحث قضا و امر به معروف آمده و برخی دیگر در ضمن کتب شرح عروة الوثقی، موجود است. و چون در آنجا از تعدادی از آنها نام بردیم، از ذکر تفصیلی این منابع صرف نظر شد.

قسمت دوم: مرجعیت

منابعی که در این قسمت معرفی می شود، بیشتر به «مرجعیت» به عنوان یک نهاد عالی دینی نظر دارند و مباحث خاص فقهی کمتر در آنها دیده می شود. این منابع در دو گروه کتب و مقالات ارائه می گردد.

الف) کتب

- ۱- بحوث فی خط المرجعية، صدرالدین القبانچی، چاپ دوم: ۱۴۰۵/ق/۱۹۸م، ۱۵۹ص، عربی.
- ۲- بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، سید محمد حسین طباطبایی و دیگران، چاپ دوم: تهران، شرکت سهامی انتشار، هشت + ۲۶۱ص.
- ۳- تشکیلات مذهب شیعه، ابو محمد و کیلی قمی، تهران، ۱۳۴۵، ۱۷۲ص.
- ۴- الحیاء، محمدرضا حکیمی و دیگران، چاپ سوم: قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۷۰-۳۴۹، عربی.
- ۵- مرجع کیست و اختیارات او چیست؟، احمد آذری قمی، ۱۳۷۲، ۳۲ص.
- ۶- المرجعية الدينية العليا عند الشيعة الامامية، حسین معنوق، بیروت، دار الهدی، ۱۳۹۰/ق/۱۹۷۰م، ۵۹ص، عربی.
- ۷- المعالم الجديدة للمرجعية الشیعة، سلیم الحسینی، نشر توحید، ۱۴۱۳/ق/۱۹۹۲م، ۲۰۸ص، عربی.
- ۸- چگونگی مرجعیت و نشر فتاوی شیخ اعظم انصاری، سید محمد علی روضاتی، قم، دبیرخانه کنگره شیخ انصاری، ۱۳۷۳، ۱۶ص.